

### معنی لغات جدید درس دهم

رونق داشتن : خوب بودن وضع کسب و کار	حرفه : شغل ، پیشه ، کار	طبع : ذوق، استعداد
جويا : کنجکاو ، جستجوگر	اقامت گزیدم : درجایی ساکن شدم ، ماندم	کنج : گوشه
فروزان : تابان ، درخشان ، روشن	ذوق : شور و شوق ، علاقه . توانایی	قریحه : ذوق و استعداد
عاجز: ناتوان ، درمانده	استعداد : آمادگی ، توانایی	مقصود : خواسته ، آرزو ، نیت
لبریز : پر،لبالب	دایرشدن : تشکیل شدن ، ایجاد شدن	سرمشوق : الگو، نمونه
فعال: پرکار ، کوشا	فعالیت: کوشش ، تلاش	مکتب : محل درس خواندن، نام مدرسه در قدیم
پرشور : پر حرارت ، با هیجان	اجتماع : گروه ، جمعی از دسته های انسانی	از پس : از پشت
اطفال : کودکان	ویژه : خاص ، مخصوص	ابداع : نوآوری ، چیزی را از نو پدید آوردن ، ایجاد کردن
بام : بالای ساختمان ، پشت بام	پشتکار : تلاش برای انجام کاری ، با علاقه کاری را پیگیری کردن	
پند : نصیحت ، اندرز	سرگذشت : شرح حال	اراده : خواست ، میل ، تصمیم
صبر : شکیبایی ، بردباری	خشنود : راضی ، خوشحال ، شادمان	آیت : نشانه
هما : پرنده ای افسانه ای که سایه اش باعث سعادت مندی می شود	ابوالعجائب : پدر شگفتی ها	
ماسوا: موجودات ، مخلوقات ، غیر از خدا	رخ : سیما ، صورت	مسکین : فقیر ، تهی دست
قسم : سوگند	کرم : لطف ، جوانمردی ، بزرگواری	نگین : سنگ قیمتی که رویانگشتر می گذارند
مدارا : با نرمی و ملایمت رفتار کردن	علم کند : معرفی کند ، برپا کند ، مشهور بسازد	

### واژگان هم خانواده

(کتاب - مکتوب - کاتب - مکتب)	(مقصود - قصد - قاصد)	(راضی - رضایت - مرضیه)
(قبول - قابل - مقبول)	(صبر - صبور - صابر)	